



هشدار انتظامی: تلقی دروغ‌گویی به جای جعل عنوان

پدیدآورنده (ها) : جهانگیری، سیف

حقوق :: نشریه قضاوت :: آذر و دی ۱۳۸۷ - شماره ۵۴

صفحات : از ۱۰ تا ۱۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/827499>

تاریخ داندود : ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- میزگرد: گزارش نشست قضایی استان (پاسخ به پرسش های ۳۹۴ تا ۳۹۶)
- تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران
- حقوق کیفری در چالش با تعدیات مأمورین دولت

عناوین مشابه

- هشدار انتظامی: معرفی متهم به اداره آگاهی به جای معرفی به زندان!
- هشدار انتظامی: صدور حکم به ابطال اجراییه که بر مبنای سازش نامه صادر شده، تخلف است
- تعیین وضعیت شاخص روابط خانواده به عنوان یکی از شاخص های سلامت خانواده و تاثیر آن بر کیفیت عملکرد کارکنان نیروی انتظامی استان یزد
- تلقی دادگستری به عنوان یک بنگاه اقتصادی
- هشدار انتظامی: سه ماه کسر عشر حقوق به علت صدور اجرائیه قبل از قطعیت حکم
- هشدار انتظامی: تفهیم اتهام به متهم بدون تفهیم دلایل اتهام تخلف است
- امکان سنجی تلقی مسابقات ورزشی حرفه‌ای به عنوان اثر ادبی و هنری
- هشدار انتظامی: دستور بازرسی از مخفیگاه به طور شبانه روزی و بدون مدت تخلف است
- تلقی طلب زیان دیده به عنوان طلب ممتاز
- توصیف به عنوان تمهیدی سینمایی در رمان جای خالی سلوچ محمود دولت آبادی

تلقی دروغگویی به جای جعل عنوان

با همکاری سیف‌الله جهانگیری

تلقی دروغگویی به جای جعل عنوان
خواستن متهم از وثیقه‌گذار علیرغم عدم ابلاغ
وقت رسیدگی
استمهال ۳ روزه به وثیقه‌گذار جهت معرفی متهم

ریاست محترم دادرسی انتظامی قضات

در خصوص شکایت انتظامی آقای «الف - گ» علیه آقای «الف» دادیار وقت شعبه ... دادرسی ناحیه ... تهران مفادا دالر بر عدم رعایت مقررات قانونی در رسیدگی به پرونده کلاسه ۳۶۰/۸۶ بدوا پرونده امر مطالبه که خلاصه آن مشتمل بر پرونده دیگری به کلاسه ۴۹۶/۸۶ به شرح ذیل است:

خلاصه پرونده کلاسه ۳۶۰/۸۶:

در ۱۳۸۶/۳/۱۳ آقایان «م و الف» با وکالت آقای «م» و خانم «ب» شکایتی علیه آقایان «ن - ک» و «ا - گ» دالر بر رباخواری تقدیم دادرسی ناحیه ۷ تهران می‌نمایند که به شعبه سوم دادرسی ارجاع می‌گردد و طی آن مدعی می‌شوند که به لحاظ مشکلات مالی ناچار به استقراض به مبلغ ۸۰ میلیون تومان از خواندگان می‌شوند و آقای «م - د» طی هشت فقره چک هر کدام به مبلغ ۱۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال به اضافه هفت میلیون ریال نقد به آقای «ن - ک» و آقای «الف - د» نیز مبلغ شصت میلیون ریال طی چهار فقره چک به آقای «الف - گ» بابت سود مبلغ استقراضی پرداخت می‌نمایند تا قرارداد مورخ ۲۰/۱۲/۸۲ به شماره ۱۸۰۹ به صورت صوری به عنوان تضمین جهت بازپرداخت مبلغ ماخوذه تنظیم شود و این عمل نامبردگان مصداق بارز رباخواری است و تقاضای تعقیب کیفری ایشان را نموده است خانم

بخشی احد از وکلای شاکیان در بازجویی مورخ ۱۳۸۶/۳/۱۳ اذعان دارند که آقای «گ» با استناد به قرارداد یاد شده و با طرح دعوی حقوقی الزام به تنظیم سند رسمی نسبت به موضوع قرارداد را مطالبه کرده‌اند و آقای «ح - و» نیز به عنوان شاهد بر قدمای شاکیان ابراز شهادت نموده است (صفحات ۴۷ الی ۵۳) پرونده در این تاریخ به کلاتری ارسال تا ظرف ۲۸ ساعت در معیت طرفین به نظر برسد (ص ۵۴) پرونده در ۱۳۸۶/۳/۱۶ به دادرسی اعاده و آقای «الف» ذیل آن مرقوم داشته با توجه به اظهارات شفاهی طرفین و امکان حصول سازش اعاده تا ظرف یک هفته عودت شود. (ص ۵۸) آقای «الف - گ» در مدافعات خود در ۱۳۸۶/۳/۱۹ در پاسخ شکایت شاکی اظهار داشته که در سال ۱۳۸۲ به اتفاق آقای «ن» دو دستگاه آپارتمان به صورت پیش‌فروش خریداری کردیم که در موعد تحویل نشد و ما گواهی عدم حضور از دفترخانه گرفتیم و آقای «د» قرار شد یک آپارتمان دیگر را در میدان نور که با شخص دیگری شریک بود به ما بدهد و مابقی پول من را دو فقره چک به مبلغ بیست و چهار میلیون تومان داد که چک‌ها پاس نشد و آپارتمان را هم تحویل نداد و با این کار کلاهبرداری کرده و هم‌اکنون نزدیک ۴ سال است که هشتاد میلیون تومان پول را در اختیار دارد و از این بابت در مجتمع قضایی مفتاح پرونده حقوقی داریم (ص ۶۲) آقای «ن» نیز طی لایحه‌ای در ۲۶/۳/۱۳۸۶ همین مدافعات را تکرار و نسبت به رسیدگی دادرسی ناحیه ۷ که نه محل وقوع آپارتمان و نه محل وقوع قرارداد است اعتراض کرده است (ص ۷۲).

دادیار محترم در ۱۳۸۶/۳/۲۶ با تشکیل جلسه

بدوا شکایت شاکیان

را اخذ و سپس به هر دو نفر

متهم اتهام شرکت در پرداخت پول ربوی

تفهیم اتهام و برای آقای «گ» ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ و

برای آقای «ن» ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال قرار وثیقه صادر

می‌نمایند که مورد موافقت آقای «ن» معاون دادستان

واقع و به لحاظ عجز از تودیع وثیقه به زندا معرفی

می‌شوند (۷۴ الی ۷۶) و هر دو متهم در ۱۳۸۶/۳/۲۷

با تودیع وثیقه آزاد شوند (نامه زندان حکایت دارد

که متهم «گ» در ۱۳۸۶/۳/۲۰ آزاد شود لکن حسب

اظهار شفاهی مشارالیه در ۱۳۸۶/۳/۲۷ آزاد شده است

(ص ۱۱۰). لازم به ذکر است حسب ادعای شکایت

شاکیان قرارداد ربوی در حوزه دادرسی ناحیه ۷

امضاء شده است النهایه به درخواست وکلای شاکیان

دادیار رسیدگی‌کننده در جلسه ۱/۳/۸۶ از شاهد

به نام «ک» تحقیق و شهادتی موافق ادعای شاکیان

ادا نمودند (ص ۱۱۵) و سپس فی‌المجلس آخرین

دفاع متهم «ن» اخذ و متهم دیگر آقای «گ» جهت

اخذ آخرین دفاع از طریق وثیقه‌گذار احضار شد

(ص ۱۱۸) اختطاری‌های جهت احضار متهم در جلسه

۱/۳/۸۶ ملاحظه نشد لکن صورتجلسه‌ای با تاریخ

۲۶/۳/۸۶ در صفحه ۱۱۳ پرونده موجود است که

حکایت از ابلاغ وقت فوق به متهم «ن» دارد و در

مورد آقای «گ» احتمالا دفتر گواهی کرده که مشارالیه

ز امضاء خودداری کرده است.

در هر حال اختاریه به «م - ر» به عنوان وثیقه گذار صادر می‌گردد تا طرف سه روز پس از ابلاغ موثوق‌عنه آقای «گ» را معرفی نماید و ذیل اختاریه به خانم یادشده تعهد کرده تا ظرف ۴۸ ساعت وی را معرفی نماید. (ص ۱۱۹) در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۲۳ به کراهی صورتجلسه موجود در پرونده ضمیمه آقای دادیار «الف» صورتجلسه‌ای تنظیم کرده است که در آن قید شده است آقای «گ» در مذاکرات شنای خود را قاضی دادگستری معرفی نمودند در ادامه ذعان داشتند که قاضی بازنشسته هستند و وکالت می‌کنند و این اظهارات نود آقای «ن» و «د» «ح» و «ف» و «م» و خانم «ب» صورت گرفته است و ظاهراً کارت شناسایی به شماره ۱۰۸۲۰ مربوط به شعبه ... بدوی سازمان تعزیرات حکومتی را ارائه کرده و قید نمودند که بازنشسته شده‌اند و قبلاً در مجتمع قضائی رشاد خدمت می‌کردند و مراتب را به اطلاع آقای جانشین دادسرا رسانیده است. در ذیل صورتجلسه مضای اشخاص فوق و شخص دیگری به نام «ب» ع» به چشم می‌خورد.

صورتجلسه از جانب آقای «ن» به شعبه ... دادیاری ارجاع گردید. تاریخ ارجاع ۱۳۸۶/۴/۱۷ است! آقای دادیار در جلسه ۱۳۸۶/۴/۱۷ به متهم «گ» اتهام جعل عنوان قضاوت دادگستری را تفهیم و متهم با تکذیب آن اعلاهی کرده است، که همه امضاءکنندگان صورتجلسه طرف دعوی وی هستند و حتی مسئول دفتر خودتان و افسر پرونده حاضر به ادای شهادت نشده‌اند و من خودم را همکار معرفی کردم زیرا شما در هر سه جلسه از صبح ناشنا ساعت ۸:۵ تا ۱۵ ما را نگهداری کرده خودم را معرفی کردم و هیچ‌گونه اسم قاضی را به کار نبردم و آنچه را گفتم مدرک دارم و گفتم از کارمندی و تاسیسات به رئیس شعبه تعزیرات حکومتی رسیده‌ام و حالا هم بازنشسته دادگستری هستم و مشاور حقوقی قوه قضائیه می‌باشم. (ص ۱۶۶ پرونده ضمیمه). متعاقباً قاضی مذکور قرار وثیقه معادل مبلغ یکصد و بیست میلیون ریال صادره قبلی را به مبلغ دویست میلیون ریال تشدید که مورد موافقت آقای «ک» دادیار اظهارنظر قرار گرفت (ص ۱۶۷) و متهم به زندان معرفی شد و در ۱۸/۴/۱۳۸۴ با تودیع وثیقه نقدی آزاد شد در ۲۷/۵/۱۳۸۶ آخرین دفاع متهم فوق‌الذکر اخذ و در همان روز دادیار مشتکی عنه مبادرت به صدور قرار نهایی می‌نماید و طی آن متهمان فوق‌الذکر را از نظر پرداخت پول ربوی و آقای «گ» را اضافه بر آن به اتهام جعل عنوان قضاوت مجرم تشخیص می‌دهد. پرونده جهت اظهارنظر به خانم «م» ارجاع می‌شود و مشارالیه با توجه به انکار متهمان و ادای شهادت شهود با قرار صادره مخالفت و تقاضای تکمیل تحقیقات نمود؛ و تذکر داده‌اند که دادن ربا نیز جرم است در این مورد هم اتخاذ تصمیم نمایند. (ص ۱۲۲ الی ۱۲۴). در این فاصله آقای «الف» از شعبه سوم منفک و آقای «ک» نسبت به رفع نقایص اقدامات قانونی را آغاز و در برگ بدون تاریخ (ص ۱۴۵) دستور استعلام چک‌ها را صادر می‌نماید تاریخ استعلام دفتر دادیاری ۱۳۸۶/۱۰/۱۱ است و اقدامی در این فاصله یعنی از ۱۳۸۶/۵/۳۱ تا ۱۳۸۶/۱۰/۱۱

در پرونده ملاحظه نشد لکن در همراه گزارش از سوی آقای «الف» معاون دادستان تهران در پرونده وجود دارد که حکایت دارد پرونده پیرو شکایت آقای «گ» مدتی در دادسرای مرکز بوده است. ص ۱۲۹ (از ۱۳۸۶/۶/۱۲ تا ۱۳۸۶/۷/۲۵) که پرونده در ۱۳۸۶/۸/۱۷ به شعبه سوم عودت شده است! با عدم وصول پاسخ از بانک به لحاظ مغایرت شماره چک‌ها، دادیار رسیدگی‌کننده طی قرار نهایی مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۹ متهمان از همه اتهامات مبرا شناخته شده و قرار منع پیگرد صادر می‌شود که در همان روز به تأیید دادیار اظهارنظر می‌رسد. (ص ۱۵۸) از قرارهای تأمین رفع اثر قرار به احدی وکلای شاکیان ابلاغ شده که نتیجه آن در پرونده منعکس نیست. پرونده مطلب مهم دیگری ندارد.

نظریه:

ایرادات زیر در رسیدگی به پرونده به نظر دارد می‌باشد:

- ۱- تفهیم اتهام جعل عناوین دولتی به شاکی انتظامی آقای «گ» توسط آقای «الف» دادیار تحقیق رسیدگی‌کننده به مجرد معرفی شاکی انتظامی به عنوان همکار یا قاضی بازنشسته بر فرض هم که قابل اثبات باشد بدون لحاظ جنبه‌های دیگر عمل مجرمانه منتسب شده به متهم فاقد وجهت قانونی است و عمل منتسب به متهم (شاکی انتظامی) صرف نظر از اینکه مشارالیه کارمند بازنشسته دادگستری و فعلاً هم به عنوان مشاور حقوقی قوه قضائیه بوده بدون اینکه از جانب مشارالیه اقدامات مادی دیگری جهت اثبات مدعای خود انجام شده باشد یا اینکه به نحوی بر سوءاستفاده مجرمانه از این عنوان سرنوشت پرونده یا روند رسیدگی آن تأثیر گذاشته باشد در فرض ثبوت دروغ‌گویی است که فاقد عنوان مجرمانه در موضوع مانع قیام است بنابر این صدور قرار تأمین وثیقه به مبلغ هشتاد میلیون ریال (در قالب تشدید قرار قبلی) و اعزام وی به زندان بدون اینکه اتهام یاد شده مقرون به دلایل باشد مخالف ماده ۱۲۹ ق.ا.د.ک و تخلف از مقررات موضوعه است.
- ۲- برابر ماده ۱۴۲ ق.ا.د.ک خواستن متهم از کفیل یا وثیقه‌گذار جز در مواردی که حضور متهم برای تحقیقات یا محاکمه یا اجرای حکم ضرورت دارد ممنوع است و طریقه اختار به کفیل یا وثیقه‌گذار نیز در ماده ۱۴۰ همان قانون پیش‌بینی شده که به وثیقه‌گذار بیست روز مهلت داده می‌شود تا متهم را معرفی نمایند اقدام آقای «الف» دادیار رسیدگی‌کننده در اختار به وثیقه‌گذار جهت معرفی متهم در حالی که وقت رسیدگی به متهم ابلاغ نشده و در برگ بدون تاریخ (ص ۱۱۲) صرفاً (توسط کسی که هویت وی در پرونده مشخص نمی‌باشد) وقت نظارت تعیین شده به شاکی انتظامی ابلاغ شده که ظاهراً متهم از رویب آن خودداری کرده و معلوم است که وقت نظارت در واقع با وقت رسیدگی متفاوت است و در فرض احراز ابلاغ قانونی وقت نظارت رافع تکلیف مرجع قضائی در ابلاغ قانونی وقت رسیدگی به اصحاب دعوی نیست مضافاً فرصت قانونی تعیین شده برای معرفی متهم توسط وثیقه‌گذار بیست روز است که در اختاریه صادره (ص ۱۱۹) تنها سه روز

در نظر گرفته شده که مخالف مقررات موضوعه می‌باشد.

۳- برابر ماده ۵۹۵ ق.م.ا.خذ و اعطاء ربا جرم است و در رابطه به وجود آمده در حد ماده مرقوم هر دو طرف مرتکب عمل مجرمانه شده‌اند حال آنکه آقای «الف» دادیار رسیدگی‌کننده تنها نسبت به مشتکی عنهما تفهیم اتهام ربا نموده و در مورد آنان در قرار نهایی اظهارنظر کرده ولی در مورد طرف دیگر این عمل انجام نشده که مورد ایراد دادیار اظهارنظر نیز واقع شده است لذا در این مورد نیز مشارالیه مرتکب اهمال در رسیدگی شده است.

۴- آقای «ک» دادیار اظهارنظر که با تشدید قرار موضوع بند ۱ نظریه موافقت کرده نیز به نظر از مقررات موضوعه به شرح قبل تخطی کرده است و در مجموع به نظر آقای «الف» مستندا به ماده ۱۴ و صدر ماده ۲۰ و آقای «ک» به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه مستحق تعقیب انتظامی هستند. در مورد سایر اقدامات قضائی انجام شده توسط قضات دیگر از جمله دادیار اظهارنظر خانم «م» و دادیار رسیدگی‌کننده پس از آقای «الف» به نام آقای «ک»



تخلف غیرقابل اغماض ملاحظه نشد به منع پیگرد انتظامی ایشان [عقیده] دارم. در مورد آقایان «الف» - «الف» و «م - ک» دادیاران دادرسی عمومی و انقلاب نهران عقیده دارم در صورت موافقت تعقیب انتظامی ایشان با توجه به قلت سابقه و اینکه تاکنون فاقد هرگونه سابقه تخلف انتظامی می‌باشند مطابق مقررات تعلیق گردد.

... دادیار دادرسی انتظامی قضات - ۱۳۸۷/۴/۵

بسمه تعالی؛

همکار گرامی جناب آقای ... اظهارنظر فرمایید.

... دادستان انتظامی قضات - ۱۳۸۷/۴/۹

بسمه تعالی

ریاست محترم دادرسی انتظامی قضات

حسبالارجاع، پرونده انتظامی کلاسه

بسمه تعالی؛

ملاحظه شد؛ با کلیه موارد اعلامی موافقم. دفتر پرونده جهت اعلام مراتب تعلیق تعقیب انتظامی آقایان «ک» و «الف» اعاده شود.

... دادستان انتظامی قضات - ۱۳۸۷/۵/۵

«تخلف انتظامی مبنی بر اهمال در رسیدگی و مستدل نبودن رای به شرح دادنامه شماره ۱۳۰ - ۸۷۶۱۳ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات.»

گردشکار:

آقای «ب - ع» در تاریخ ۸۱۶۲۵ شکوائیه‌ای در خصوص نحوه رسیدگی به پرونده ... دادگاه عمومی ... به دادرسی انتظامی قضات تقدیم نموده که در پرونده ... آن دادرسی مورد رسیدگی قرار گرفته و آقای ... دادیار دادرسی انتظامی قضات با ملاحظه پرونده مورد نظر و پس از تهیه گزارشی از چگونگی قضیه نهایتاً در مورد

توضیح از خواننده هم دادگاه نتواند رای بدهد و دادگاه نتواند در ماهیت دعوا بدون اخذ توضیح رای صادر کند دادخواست ابطال خواهد شد همان‌طور که در متن آمده اخذ توضیح در جلسه تعیین شده یعنی وقت مقرر دادگاه میسر می‌باشد و نه در وقت احتیاطی در صورتی که دادرس محترم جهت اخذ توضیح از خواهان دستور تعیین وقت احتیاطی صادر نموده که از اجرای مفاد ماده ۹۵ آیین دادرسی مدنی تخلف نموده است. ۳- دادرس فوق‌الذکر به شرح دادنامه ... مورخه ۸۱/۶/۱۱ به علت بی‌توجهی اعلام می‌دارد حسب استعلام به عمل آمده از اداره ثبت و اسناد شهرستان «ب» ملک مورد ادعا مربوط به آقای «ح - م» می‌باشد و مالکیتی بر متوفی یعنی آقای «م - م» متصور نمی‌باشد و به این استدلال دعوی خواهان را رد نموده است در صورتی که متوفی یا مورث همان «ح - م» بوده نه آقای «م - م» و آقای «م - م» خودش یکی از خواندگان می‌باشد لهذا دادرس دادگاه در صدور رای فوق‌سهل‌انگاری نموده و از اجرای مفاد ماده ۱۴ نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات قضات تخلف نموده است. با توجه به موارد فوق‌الذکر تخلفات انتسابی به دادرس سابق شعبه ... محاکم عمومی بناب آقای ... محرز و ثابت می‌باشد و به استناد ماده ۱۴ و صدر ماده ۲۰ نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات قضات به تعقیب انتظامی نامبرده اظهار عقیده می‌گردد...

پس از موافقت با نظریه مزبور کیفرخواست شماره ... علیه آقای ... دادرس وقت دادگستری شهرستان «ب» صادر گردیده و به استناد ماده ۱۴ و صدر ماده ۲۰ نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات قضات صدور حکم مجازات انتظامی وی درخواست مراتب در تاریخ ۸۶۱۰۳ به آقای ... ابلاغ گردیده و طبق گواهی دفتر تا تاریخ ۸۷/۷/۶ لایحه‌ای از وی واصل نشده است.

اینک شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب مرقوم تشکیل است با بررسی مندرجات اوراق پرونده، قرائت گزارش تهیه شده و پس از کسب عقیده آقای ... معاون اول و نماینده دادرسی انتظامی قضات مبنی بر: «اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی...» و با انجام مشاوره به شرح برگ دیگر مبادرت به صدور رای می‌نماید.

رای دادگاه

هرچند دادخواست مطروحه در دادگاه عمومی مربوط به تقسیم ترکه و تابع مقررات قانون امور حسبی بوده است مع هذا اهمال آقای دادرس دادگاه در رسیدگی و همچنین مستدل نبودن رای شماره ... - ۸۱/۶/۱۱ و به شرح گزارش مبنای کیفرخواست محرز است و دفاعی نیز از طرف قاضی مشتکی عنه مطرح نگردیده است. بنابراین به استناد ماده ۱۴ و صدر ماده ۲۰ نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات آقای ... دادرس سابق دادگاه عمومی «...» به کسر عشر حقوق در دو ماه محکوم می‌گردد. رای قطعی است.

«محکومیت انتظامی به لحاظ صدور دستور قضائی نسبت به پرونده‌هایی که ارجاع نشده. توصیه دوستان و آشنایان به همکاران قضائی. روابط خارج از عرف با ضابطین دادگستری و وکلای دادگستری و... در



۱۶۹ ۴ ۱۳۸۷ به همراه پرونده محاکماتی مربوط و گزارش و نظریه همکار محترم جناب آقای «گ» مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، با نظریه ابرازی ایشان در ذیل گزارش دایر بر: تعقیب انتظامی آقایان: «الف» و «ک» دادیاران دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ... تهران به لحاظ اهمال در انجام وظایف مخصوصه و عدم رعایت قوانین موضوعه و در حد شمول ماده ۱۴ و صدر ماده ۲۰ نظامنامه حسب مورد و نیز تعقیب انتظامی سایر قضات ذی‌مسئول در پرونده از جمله خانم «م» و آقای «ک» به ترتیب دادیار اظهارنظر و دادیار رسیدگی‌کننده به پرونده پس از آقای «الف» به لحاظ عدم احراز تخلف موافقم. راجع به پیشنهاد همکار محترم مبنی بر تعقیب انتظامی آقایان قضات که با تعقیب انتظامی آنان موافقت شده است در صورت موافقت با استفاده از اختیار حاصله از ماده ۲۶ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ به لحاظ قلت سابقه و فقدان سابقه و محکومیت انتظامی تعقیب انتظامی آنان را تعلیق خواهید فرمود.

... معاون دادرسی انتظامی قضات - ۱۳۸۷/۵/۱

دادنامه شماره ۱۴۴ - ۸۷/۶/۱۹ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات.
موضوع رسیدگی: کیفرخواست شماره ... دادرسی انتظامی قضات.
گردشکار:

آقای دادستان انتظامی قضات طی کیفرخواست شماره ... و با ارسال گزارش و نظریه آقایان ... و ... دایران دادرسی انتظامی قضات در پرونده ... آن دادرسی اعلام داشته است که آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی شهرستان ... در رسیدگی به پرونده کلاسه ... و ... مرتکب تخلف انتظامی شده است و به استناد ماده ۱۳ و ۱۸ و ۲۴ و صدر ماده ۲۰ نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات قضات صدور حکم مبنی بر مجازات انتظامی وی را خواستار شده است.

نظر به آقایان دایران دادرسی انتظامی قضات به شرح زیر است:

با توجه به محتویات پرونده و با عنایت به تحقیقات انجام شده از محل و جمیع جهات آقای ... رئیس محترم شعبه ... دادگاه عمومی جزایر ... در موارد عدیده‌ای از اجرای مفاد قانونی و شرعی تخلف نموده و در مواردی افعال خلاف شأن مرتکب گردیده که به شرح ذیل به صورت جداگانه‌ای به آن اشاره می‌شود.

۱- نظر به اینکه در تحقیقات به عمل آمده مسئولین محلی به اتفاق اعلام داشته‌اند که آقای ... در پرونده‌هایی که به وی ارجاع نشده بعضاً دخالت می‌نماید و خارج از وظیفه قانونی مبادرت به صدور دستور قضایی می‌نماید از جمله مستندات آن پرونده ... شعبه ... که با وجود دادستان و جانشین وی، ایشان بدون ارجاع رئیس کل دستور ورود به مخفیگاه و دستگیری متهم را صادر می‌نماید که عین دستور وی ضمیمه پرونده می‌باشد و خود آقای ... نیز قبول کردند که تخلف نموده‌اند و مستحق مجازات می‌باشند لهذا در اجرای ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری تخلف نموده‌اند و این در صورتی است که دستور قضایی وی از نظر ماهیتی نیز خلاف قانون بوده و طبق تبصره ذیل ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی باشد که در مورد فوق‌الذکر نه جرم مشهود بوده و نه شاکی خصوصی داشته بلکه صرفاً با اعلام گزارش نیروی انتظامی آقای ... دستور قضایی صادر نموده است.

۲- با توجه به اینکه در اظهارات مسئولین محترم استانی دادگستری «...» ادعان گردیده که آقای ... کرا را به همکاران قضایی توصیه دوستان و آشنایان خود را می‌نماید از جمله نیروی انتظامی و در صورت عدم اجابت توصیه ایشان به همکاران در حین انجام وظیفه توهین می‌نماید و رفتار خارج از نزاکت دارد که خود آقای ... در اظهاراتش به مواردی از جمله درگیری وی با دادستان و رئیس دادگستری «...» و نسبت دادن الفاظی به آقایان در جمع اقرار نموده است لهذا «مبرده از اجرای مفاد ماده ۱۳ نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات قضات تخلف نموده است.

۳- طبق اظهارات و مدارک و مستندات منضم در پرونده آقای ... روابط خارج از عرفی با ضابطین دادگستری و وکلای دادگستری داشته و این ارتباط غیرمتعارف موجب سوءاستفاده ضابطین از ایشان گردیده به نحوی که پرونده‌هایی که نیروی انتظامی در آنها ضعف یا تخلفی

داشته مستقیماً جهت صدور دستور قضایی نزد وی برده و ایشان نیز اقدام نموده است. به عنوان نمونه پرونده حوزه قضایی «...» که گزارش آن پیوست پرونده می‌باشد و موارذ خارج از عرف با وکلا و حضور در جمع آنها در سطح شهر باعث شایه‌هایی علیه ایشان گردیده است از جمله اقرار آقای «...» یکی از وکلا که به عنوان متهم پرونده بخش شب‌نامه علیه رئیس دادگستری «...» دستگیر گردیده که مدعی گردیده که ما یک گروه بودیم که در تهیه طومار شب‌نامه علیه آقای «...» رئیس دادگستری و آقای «...» شرکت داشتیم و آقای «...» نیز در گروه ما بوده است. لهذا نامبرده فوق از اجرای مفاد ماده ۱۸ و ۲۴ نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات قضات تخلف نموده است و اعمال و رفتار وی مغایر با شئون قضایی بوده است.

۴- نظر به اقرار آقای ... مبنی بر غیبت از محل کار بدون توافق رئیس دادگستری و تأخیر در ورود و خروج مستندات موجود در پرونده نامبرده از اجرای مفاد ماده ۲۴ قانون اصلاح قسمتی از اصول تشکیلات دادگستری

آقای ... مشارالیه طی لایحه‌ای که به شماره ... ثبت دفتر دادگاه عالی انتظامی قضات گردید به دفاع پرداخته است. همچنین به پیوست این لایحه تصویر دادنامه ... شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات را ارسال نموده که به موجب آن آقای ... راجع به گزارش شماره ... اداره کل دادگستری استان «...» در خصوص تأخیر در ورود به محل کار و گزارش‌های مورخ ... و ... رئیس دادگستری «...» دایر بر غیبت غیرموجه و حاضر نشدن در سر خدمت در روزهای ... برائت حاصل نموده است. متن لایحه واصله هنگام شور قرائت می‌شود. لازم به ذکر است حسب محتویات پرونده آقای ... در سال ۸۱ از دادگستری «...» منتقل شده است.

اینک شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب مرقوم تشکیل است با بررسی مندرجات اوراق پرونده، قرائت گزارش تهیه شده و لایحه ارسالی، و با در نظر گرفتن مندرجات کیفرخواست دادرسی انتظامی قضات که صرفاً راجع به نحوه رسیدگی به پرونده‌های ... و ...



می‌باشد و با توجه به دادنامه ... دادگاه عالی انتظامی قضات در خصوص غیبت و تأخیر در ورود و پس از کسب عقیده آقای ... معاون اول و نماینده دادرسی انتظامی قضات مبنی بر: «اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی...» و با انجام مشاوره به شرح زیر مبادرت به صدور رای می‌شود.

رای دادگاه

عملکرد آقای ... رئیس وقت شعبه ... دادگاه عمومی «...» در اقدام و رسیدگی به پرونده ... دادگاه عمومی «...» که موضوع کیفرخواست ... دادرسی انتظامی قضات قرار گرفته است به شرح گزارش مبنای کیفرخواست و نظریه آقای دایران انتظامی تخلف است و دفاع موثری مطرح نگردیده است لذا به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات مشارالیه به کسر عشر حقوق در سه ماه محکوم می‌شود. در خصوص پرونده ... (..) مندرج در کیفرخواست با توجه به اینکه آقای ... در سال ۸۱ از دادگستری «...» منتقل گردیده و تاریخ طرح موضوع در دادرسی انتظامی سال ۸۵ می‌باشد اقدامات وی در آن پرونده مشمول مرور زمان است. این رای قطعی است.

تخلف نموده است که مستقیماً در دادگاه عالی انتظامی رسیدگی شود. با عنایت به موارد فوق‌الذکر تخلفات انتسابی به آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی شهرستان «...» محرز و ثابت می‌شود و به تعقیب انتظامی نامبرده به استناد مواد ۲۴ و ۱۸ و ۱۳ و صدر ماده ۲۰ نظامنامه تشخیص انواع تقصیرات قضات اظهار عقیده می‌گردد... آن قسمت از گزارش هم که مربوط به پرونده کلاسه ... بوده و در نظریه مزبور به آن اشاره شده است به شرح ذیل است:

طبق مستنداتی که داریم آقای ... تعامل غیرمتعارف با نیروهای انتظامی دارد که استقلال ایشان را خدشه‌دار نموده است از جمله موارد پرونده کلاسه ... حوزه قضایی «...» که در شعبه ... مطرح بوده علیرغم وجود دلایل کافی مبنی بر قتل یکی از متهمین افغانی در بازداشتگاه نیروی انتظامی و با توجه به اعلام پزشکی قانونی مبنی بر تأیید جراحات وارده و ضرورت کالبدشکافی آقای ... از مأمورین راجع به نحوه فوت متهم هیچ‌گونه تحقیقی نموده و بدون تحقیق پرونده با قرار منع تعقیب مختومه نموده و دستور دفن متوفی را صادر می‌نماید...

پس از ابلاغ کیفرخواست و گزارش مورد نظر به